



سازمان ملل عمل کنند. ما باید به عنوان شهروندان جامعه جهانی به دولتمردان خود فشار بیاوریم که تن به دموکراسی و رعایت حقوق بشر بدهند و در جهت ایجاد جامعه جهانی گام بردارند.

**حاتمی: با توجه به دیدگاه هایی که مطرح شد به این نتیجه گیری همگانی می رسیم که:**

اعلامیه جهانی حقوق بشر در یک شرایط احساسی و ناشی از کشتارهای جنگ دوم بوجود آمد. کشورهایی که آنرا امضا نمودند بیشتر آنرا به عنوان یک توصیه تلقی نمودند و شاید خیلی از آنان تصمیم به اجرای آن نیز نداشتند.

اعلامیه جهانی به خودی یک سند تعهدآور حقوقی نیست بلکه یک سری میثاق های تعهدآور حقوقی که در سالهای بعد به تصویب رسیده اند و با تصویب این سندها اعلامیه جهانی حقوقی بشر که قبلا فقط ضمانت آن اخلاقی بود دارای تعهدات حقوقی شده است.

یکی از مهمترین این سندها میثاق های بین المللی سیاسی و مدنی است که در سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و کشورهای عضو با تصویب آن بوسیله مجلس های خود آنرا در شمار قوانین داخلی خود قرار دارند که بدینوسیله این میثاق لازم الاجرا شد در سالهای بعد از جمله در ۱۹۹۴ دو سند جهانی یکی اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگری منشور معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه بوسیله شورای بین المجالس به تصویب رسیدند امروزه دیگر پشتوانه اعلامیه حقوق بشر تنها افکار عمومی جهانی و اخلاقی نیست بلکه با رسمیت یافتن دیوان بین المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ می رود که تجاوز به حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یک جرم شناخته شود که بوسیله دیوان پیشخوانه اجرایی پیدا نموده است. تمامی اینها نشانه آن است که حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای ضمانت اجرایی نیرومندی گشته که در آن هم عنصری معنوی (یعنی اخلاق و افکار عمومی جهانی) و هم عنصر مادی (یعنی ضمانت اجرای قانونی) پیدا نموده و این بزرگترین پشتوانه آن است اعتبار آن هم با توجه به پشتوانه نیرومندش سرتاسر گیتی را در بر می گیرد و هیچ کشوری نمی تواند در مقابل تجاوز به آن بی اعتنا باشد.



نقض حقوق بشر باشیم. من منکر این واقعیت نیستم که سازمان ملل و نهادهایی وابسته به آن به تدریج در مسیری حرکت کرده اند که تضمین کننده منافع بشریت باشند ولی هنوز هم اعتقادم بر این است که وجود سلطه قدرتهای بزرگ بر آن عاملی است که سازمان ملل نتواند در جهت وظایف واقعی خود گام بردارد.

**زعیم: سازمان ملل باید اعضایش را مجبور کند که مفاد اعلامیه حقوق بشر را در قوانین خود وارد نمایند، در غیر اینصورت عضویت آنها را به تعلیق در آورد. کشورها باید مجبور شوند که حقوق بشر را رعایت کنند و این دادگاهها می توانند این اجبار را بوجود آورند و دولتها را حتی بطور غیابی با شکایت شهروندانشان محاکمه و مجازات نمایند.**

**زعیم:** من سازمان ملل را یک ضرورت تاریخی می دانم که پس از آخرین جنگ جهانی ایجاد شده است و بطور طبیعی در آغاز زیر نفوذ و سلطه قدرتهای پیروز جنگ بود. ولی در حال حاضر سازمان ملل آهسته آهسته به سمت ایجاد یک دولت جهانی پیش می رود و روز به روز سلطه مطلق قدرتهای بزرگ بر آن کم رنگ تر می شود و هر چه کشورها بیشتر به سوی دموکراسی و رعایت حقوق بشر گام بردارند، این سلطه و نفوذ کم تر خواهد شد. همانگونه که اقتصاد به سوی جهانی شدن گام بر می دارد، سیاست نیز در حال جهانی شدن است. من معتقدم که نمایندگان کشورها در سازمان ملل می بایست در طی انتخابات آزاد با رای مستقیم مردم آن کشور انتخاب گردند نه توسط دولت های آن کشورها. نهادها و سازمانهای تابع سازمان ملل باید دولتها را با مجبور به رعایت موازین حقوق بشری نمایند، قانون نهایی باید قانون مصوب سازمان ملل باشد و روزی را می توان پیش بینی کرد که دولتها به صورت یک واحد فدرال نسبت به